

حریم اخلاقی و حقوقی چاه آب

محمد عیسی عالمی بصیر*

چکیده

آب منبع حیاتی برای تمام موجودات زنده است. کابل با افزایش جمعیت و کاهش بارندگی محدودیت آبی برای چاه‌های این شهر به صورت جدی به وجود آمده است. این تحقیق به صورت کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های این تحقیق عبارتند از این که حریم حقوقی یا فاصله میان چاه‌های آبی همسایگان به اندازه پنج صد متر در زمین نرم لازم است، ولی در زمین سخت به میزان دو صد و پنجاه متر فاصله میان آنان لازم است. اما فاصله میان چاه آب و فاضلاب به اندازه دو نیم متر در زمین سخت لازم است ولی میان چاه آب و فاضلاب در مناطق نرم به اندازه هفت زراع یا سه و نیم متر فاصله لازم است.

کلیدواژه‌ها: چاه آب، قنات، حریم اخلاقی، حریم حقوقی، حریم.

مقدمه

آب عنصر اصلی حیات برای انسان، حیوانات، گیاهان و کلیه موجودات زنده در کره زمین است. نقش دیگر آن پاک‌کنندگی و تأمین سلامت و بهداشت می‌باشد. این منبع حیات‌بخش، بر اثر افزایش حرارت کره زمین و کاهش بارندگی و نیز افزایش نیازها به آن، لازم است که ضرورت‌ها، بایسته‌ها و آسیب‌های آن در جامعه مورد مطالعه قرار گیرد. شهرهای افغانستان به‌خصوص شهر باستانی کابل، شهر چاه‌های آب است؛ مردم این شهر نیازهای مصرف شرب خود را از دل سفره‌های زیر زمین، چاه‌ها و قنات‌ها تأمین می‌کند. با افزایش جمعیت و کاهش بارندگی و پایین رفتن سطح آب دریاها، این شهر در آینده نزدیک با بحران کم‌آبی مواجه خواهد شد. از این جهت، این تحقیق در صدد است که «حریم اخلاقی و حقوقی چاه آب» را بررسی نماید.

۱. چارچوب نظری

در این چارچوب به رابطه اخلاق و حقوق پرداخته می‌شود. در صورت اثبات این رابطه، ابزار مکمل مناسبی خواهد بود در جهت حفظ عناصر محیط زیست و رفع آسیب‌های آن.

۱-۱. مفهوم اخلاق

اخلاق در لغت جمع «خُلُق» و «خُلُق» است. به گفته راغب؛ بازگشت این دو واژه، در اصل به یک ریشه است (راغب اصفهانی، ۱۳۶۳: ۲۳۴). «خُلُق» به معنای هیأت و شکل و صورتی است که انسان با چشم می‌بیند. «خُلُق» به معنای قوا و سجایا و صفات درونی است که با چشم دل دیده می‌شوند (خراسانی، ۱۳۸۶: ۲۳). بنابراین، می‌توان گفت: «اخلاق مجموعه صفات روحی و باطنی انسان است». (مکارم، ۱۳۷۷: ۲۴) اخلاق به معنای سرشت، طبیعت، عادت، خوی و ... به کار

می‌رود (ابن منظور، ۱۳۶۳: ۱۳۶۳). در قرآن کریم نیز به همین معنا به کار رفته است: «أَنْكُ لَعْلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم/۸۶).

مفهوم اصطلاحی: اخلاق اصطلاحاً به گونه‌های مختلف آمده است: ابن مسکویه رازی در تهذیب الاخلاق می‌نویسد: «خُلُقُ هِمْانِ حَالَتِ نَفْسَانِي اِسْتِ اَكِهْ اِنْسَانِ رَا بِهْ اِنْجَامِ كَارِهَائِي دَعْوَتِ مِي كَنْدِ بِي اَنَكِهْ نِيَازِ بِهْ تَفَكْرٍ وَ اِنْدِيْشِهْ دَاشْتِهْ بِاَشْدِ» (مسکویه، ۱۳۹۰: ۵۱؛ فیض کاشانی، ۱۳۴۰: ۵۶). اخلاق عبارت از ملکات و هیأت‌های نفسانی است که اگر نفس به آن متصف شود، به سهولت کاری را انجام می‌دهد، همان طوری که صاحبان صنعت‌ها و حرفه‌ها به سهولت، کار خود را انجام می‌دهند، صاحبان ملکات فاضله و رذیله هم به سهولت کار خوب یا بد می‌کنند. پس اخلاق، عبارت از ملکات نفسانی و هیأت روحی است که باعث می‌شود کارها، زشت یا زیبا به آسانی از نفس متخلّق به اخلاق خاص، نشأت بگیرد (جوادآملی، بی تا: ۷۳).

قراملکی از اندیشمندان اخلاق، این مفهوم را بدین گونه بیان می‌کند: اخلاق الگوی ارتباطی مبتنی بر رعایت حقوق طرف ارتباط است؛ به دیگر سخن، اخلاق مسئولیت‌پذیری در قبال حقوق افراد است (قراملکی، ۱۳۸۷: ۲۳۴). در فرهنگ مغرب زمین، ریشه‌ واژه اخلاق از واژه یونانی به معنای اقتدار، رسوم، سنت و باور داشت‌های فرهنگی فرد، گرفته شده است (بیات، ۱۳۸۹: ۱۸۹). پل روژیک از فلاسفه معروف در غرب، اخلاق را چنین تعریف می‌کند: اخلاق به‌مثابه الگویی رفتاری، که مبتنی بر ارزش‌های مطلق ناظر بر خیر و خوبی است (پل روژیک، ۱۳۸۷: ۳۰۰).

۲-۱. رابطه اخلاق با حقوق

- تعهد اخلاقی در انجام عمل حقوقی: طبق این دیدگاه اخلاق یکی از مبانی و منابع حقوق (به معنای عام کلمه) به‌شمار می‌رود (لنگرودی، ۱۳۸۱: ۵۰). «مفهوم «مبانی» به معنای الزامات و تعهدات (منصوری آبادی، ۱۳۹۱: ۶۳) در منابع ذکر

شده است. از این جهت، مفهوم اخلاق به معنای التزام و تعهد اخلاقی نسبت به انجام تکالیف حقوقی، قابل تبیین است. مصداق عینی آن در آیه مبارکه آمده است: «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده، ۱)، «وَأَوْفُوا بِعَهْدِكُمْ» (بقره، ۲). در مباحث پیشین بیان شد که اخلاق الگویی ارتباطی مبتنی بر رعایت حقوق سایر افراد است؛ به سخن دیگر، اخلاق، مسئولیت‌پذیری در قبال حقوق افراد است (قراملکی، ۱۳۸۷: ۲۳۴). یکی از معنای تعهد اخلاقی این است: «اخلاق ناظر به ارزش (نظیر خوب، بد، پسندیده و ناپسند)، ناظر به تکلیف (مانند درست، نادرست، باید، نباید) و ناظر به استحقاق (حقوق، مطالبات، عدالت و بی‌عدالتی) می‌باشد. به عبارت دیگر، رفتار اخلاقی ما مرکب از سه قسم مفهوم ارزش، تکلیف و استحقاق است و با این سه ارزش حقوق را فهم می‌کنیم. (رابرت آل، ۱۳۸۹: ۵۳).

- تنظیم روابط حقوق اجتماعی: یکی از آثار رابطه اخلاق با حقوق در این است که سبب می‌شود تا زمینه‌های جرم حقوقی در ذات و درون انسان محو و از طریق روابط اجتماعی و حقوقی به نحو احسن تنظیم و اجرا گردد؛ حقوق بدون کمک اخلاق قادر به تنظیم روابط اجتماعی برتر نمی‌باشد (جعفری، ۱۳۶۴: ۴۳۹).

- انعطاف‌پذیری و تکامل شخصیتی در عمل حقوقی: گرچه بازپس‌گیری وام و قرض‌الحسنه، برای صاحب قرض‌الحسنه، حق لازم است، اما مهلت دادن، بخشیدن و مراعات حال بدهکار امر اخلاقی است و موجب تکامل قرض‌دهنده می‌شود (قرائتی، ۱۳۸۳: ۴۵۱) در نمونه دیگر آمده است، حکم قانونی مهریه زن این است، که به زن نصف یا تمام مهریه را حق می‌دهد که بدون کم و کاست آن را دریافت کند، هر چند آمیزشی حاصل نشده باشد. ولی بعد به سراغ جنبه‌های اخلاقی و عاطفی می‌رود و می‌فرماید: «مگر این که آن‌ها حق خود را ببخشند و یا اگر صغیر یا سفیه هستند، ولی آن‌ها یعنی آن کس که گره ازدواج به دست اوست آن را ببخشد: «إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوا أَلَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ» (بابائی، ۱۳۸۲: ۳۱۶).

- اخلاقی بودن دستور مستحب و حقوقی بودن دستور الزامی: در برخی موارد اگر حقوق به صورت کلی در منابع مطرح شود به این صورت قابل دسته‌بندی است: حق، مستحبی جزء حقوق اخلاقی و حق واجب و الزامی، جزء حقوق موضوعه قرار

خواهند گرفت: «منظور از حق مذکور (حق السائل) در آیه شریفه برای سائلان و مستمندان در اموال ثروتمندان، حق مستحبی به‌عنوان حقوق اخلاقی، اجتماعی و انسانی است، اما بخش حق واجب آن مانند زکات، نوع حق، از حقوق موضوعه است...» (هریسی، بی تا: ۴۹۳).

- لذت‌پذیری در انجام عمل حقوقی و خدمت‌ورزی: مکتب لذت‌گرایی و کارکردگرایی اخلاقی به‌عنوان مکتب‌های پرتطرفدار در جهان معاصر مطرح است. طبق دیدگاه این مکتب‌ها، در مصرف کالا، مصرف خدمات، پوشاک، خوراک، مسکن و ... لذت وجود خواهد داشت. اما بر اساس دیدگاه مکتب اسلام، این گونه لذت قابل پذیرش نیست، بلکه لذت در این مکتب در پیروی از حقوق الهی، حقوق مردم، حقوق اجتماعی، حقوق خانواده، حقوق طبیعت و سایر حقوق و نیز خدمت‌ورزی در جامعه قابل طرح است. از این لذت‌گرایی در متون اسلامی تعبیر به «سخاوت نفسی» شده است (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶، ج ۳: ۱۴۸؛ مجلسی اول، ۱۴۱۴، ج ۵: ۴۴). چنانکه حضرت زینب در کربلا شهادت جوانان، اسارت اهلبیت، گرسنگی و آتش گرفتن خیمه‌ها را تجربه کرد و آنان را در مسیر انجام حقوق الهی زیبا و لذت‌آفرین معرفی کرده است.

۲. حریم اخلاقی و حقوقی چاه آب

در این قسمت به مفهوم چاه آب پرداخته می‌شود.

۲-۱. مفهوم چاه آب

چاه آب یا قنات، آبی است که در زیر زمین قرار دارد و با لایه‌ها و صفره‌های آبی زیر زمین اتصال دارد. معمولاً این صفره‌های آبی هم‌سطح با آب‌های دریای بزرگ است (صدوق، ج ۴: ۱۳۰).

۲-۲. حریم حقوقی و اخلاقی

در این قسمت به گونه‌های حریم حقوقی و اخلاقی چاه آب پرداخته می‌شود.

الف) فاصله بین دو چاه آب کشاورزی: این مبحث از دو منظر قابل بررسی است؛ از جهت فاصله طولی میان دو یا چند چاه آب، و دوم از نظر ارتفاع میان دو یا چند چاه آب؛ زیرا از این دو ناحیه قابل آسیب رساندن و زیان رساندن به سایر چاه‌ها است.

صحابه از امام صادق (ع) در این زمینه پرسیدند: «قنات یا چاه آب در یک سرزمین نزدیک هم هستند و صاحب یک قنات می‌خواهد محل برداشت آب خود را عوض کرده عمق آن را پائین‌تر ببرد و اگر با پاره‌ای از قنات‌ها این کار صورت گیرد بعضی دیگر زیان می‌بینند و بعضی‌ها چون زمین سخت است زیان نمی‌بینند، آن حضرت فرمود: آنچه در زمین سخت باشد اشکال ندارد، و هر کدام که در زمین نرم و جلگه باشد که این موجب ضرر به دیگران گردد، اشکال دارد. و نیز اگر زمین سخت باشد میان دو چاه آب باید پانصد ذراع فاصله باشد و اگر زمین سست است هزار ذراع.» (صدوق، ۱۴۰۹، ج ۴: ۱۳۰). در نتیجه، میان دو چاه آب مصرفی از نظر حقوقی در زمین سخت بایستی ۵۰۰ ذراع یعنی ۲۵۰ متر فاصله لازم است، تا ضرری فعلی به چاه آب همسایگان وارد نشود. اما از نظر ارتفاع و عمق، چاه باید نیز فاصله‌ای آن در حدی رعایت شود که موجب کاهش آب چاه همسایه نگردد. در مناطقی که زمین سست و یا حالت جلگه‌ای دارد، فاصله مورد نیاز از نظر حقوقی ۱۰۰۰ ذراع یا ۵۰۰ متر لازم است. در این مورد، اگر موجب زیانی و یا باعث کاهش آب چاه همسایه گردد، در صورت کندن چاه جدید یا عمق آن از عمق دیگری بیشتر گردد از نظر حقوقی مجاز نخواهد بود.

ب) فاصله میان چاه آب مصرفی: در این زمینه روایات می‌فرماید: «حریم چاه چهل ذراع است و نباید تا این فاصله چاهی برای آبشخور شتران یا احشام و اغنام احداث کرد. پس اگر کسی بخواهد که جهت آب دادن شتران خود چاهی بکند در آن چهل ذرع نمی‌تواند بکند. و در بعضی روایات وارد شده که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم فرموده که: «حریم چاه در جاهلیت پنجاه ذرع بوده است» (صدوق، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۶). در منابع حقوق اسلامی، فاصله میان چاه مصرفی و چاه زراعتی قائل به تفاوت شده است.

در منابع حقوقی اسلام آمده است که «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۰: ۴۳۶)؛ یعنی ضرر رسانیدن و حتی نیت ضرری داشتن در برابر جامعه و افراد آن جایز نیست. کلمه «لا» نفی جنس است و شامل هر نوع ضرر مادی و معنوی می‌شود. از این جهت اگر فردی با کندن چاه آب سبب کم شدن یا خشکیدن چاه به دیگران شود، این چاه آب از باب مقدمه حرام، حرام خواهد بود. در نتیجه چاه کندن جدید که به دیگران آسیب و زیان رساند ممنوع می‌باشد. حتی از نظر حقوق اخلاقی نیت چاه کندن که سبب خشکیدن سایر آب‌ها گردد، ممنوع است. طبق این حدیث، ضرر فعلی و عملی از نظر فقهی و حقوقی در این زمینه ممنوع می‌شود و اما نیت بالقوه یا تهدید بالقوه از نظر حقوق اخلاقی در متون اسلامی ممنوع می‌شود، پس در مورد حریم چاه آب، حقوق و اخلاق در امتداد همدیگر در جهت حفظ منابع آبی کمک شایسته‌ای می‌کند. حریم اخلاقی و حقوقی چاه آب در کابل به خصوص در شرایط کمبود آب در این شهر از اهمیت فوق العاده برخوردار است.

کابل در شرایطی که با کمبود مواجه است و در آینده با بحران آب روبه‌رو خواهد شد، در این حالت برخی از افراد و کشاورزان رو به کاشت گلخانه‌ای بادرنگ، گوجه، تربوزه و... آورده‌اند. براساس حدیث نفی ضرر بالفعل و یا بالقوه، این فعالیت‌ها ممنوع است؛ ممنوعیت بالفعل آن براساس مفاد حقوقی این حدیث است و ممنوعیت بالقوه آن براساس نفی ضرر اخلاقی آن خواهد بود. زیرا، طبق آمارهای جهانی ۰/۱۰ مصرف آب خانگی است و ۰/۷۰ مصرف کشاورزی و زراعی در همان منطقه قابل محاسبه است. از این جهت ضرر مصرف آب کشاورزی در شرایط نامتعادل کابل قطعی خواهد بود.

ج) فاصله بین چاه آب مصرفی و فاضلاب: در کابل میان حولی‌ها به صورت متوالی چاه آب و چاه فاضلاب ساخته شده است، این دو ممکن است با هم ملاقات کند و نجاست یکی بر پاکی دیگری نفوذ کند، از این جهت در احادیث فاصله میان این دو نوع چاه تعیین شده است: «و هر گاه در کنار چاه آبی که برای طهارت و خوردن از آن استفاده می‌کنند چاه مستراح و آبریز باشد، پس اگر زمین سخت و

غیر قابل نفوذ باشد شایسته است میان چاه و آبریز پنج ذراع فاصله باشد، و اگر زمین شنی و قابل نفوذ بود هفت ذراع فاصله کافی است.» (صدوق، ۱۱۴۰، ج ۱: ۳۷).

در نتیجه، جهت تأمین بهداشت و سلامت آب مصرفی در چاه‌ها منابع روایی میزان و حریم میان دو چاه آب شرب و آب فاضلاب تعیین کرده است، حد اقل آن، عبارت است از این که اگر چاه مستراح و فاضلاب حد اقل در زمین سفت و غیر قابل نفوذ ۵ ذراع فاصله باید رعایت شود؛ اما اگر میان دو چاه آب که شنزار باشد باید ۷ ذراع یعنی سه و نیم متر فاصله باید رعایت شود. در صورتی که این فاصله رعایت شود، آب از نظر حقوقی بهداشتی خواهد بود. اگر فردی کمتر از آن چاه فاضلاب احداث کند ضامن سلامت و خسارت چاه قبلی خواهد بود. در نتیجه، زمین، خاک و شن قدرت پاک‌کنندگی دارد. این حدیث مطلق است و شامل چاه آبی هم می‌شود که در قسمت بلندی زمین واقع شده است؛ یعنی اگر آب آلوده به سمت سراسیبی قرار داشته باشد و آب پاک به سمت بلندی قرار داشته باشد، نیز شامل این حریم حقوقی چاه آب می‌شود. مفهوم این حدیث این است که اگر آب چاه شرب حریم فوق رعایت نشود، قابل شرب نخواهد بود.

۲-۳. ویژگی آلوده شدن چاه آب

از نظر حقوقی برخی معیار جهت نجس شدن چاه آب مطرح شده است. اگر این شرایط در چاه آب قابل رویت باشد، در این صورت، قابل شرب نخواهد بود. آب چاه به منزله آب جاری است و احکام آن را دارد و به سادگی قابل آلوده شدن نیست. اما اگر چیزی نجس و مرداری به آن بیفتد و باعث تغییر رنگ، بوی و طعم آن گردد، در این صورت از نظر حقوقی استفاده از این چاه ممنوع خواهد بود (صدوق، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۹).

۲-۴. مراحل بهداشتی کردن چاه آلوده:

در صورتی که برخی نجاست یا اشیاء مردار به داخل چاه آب بیفتد، در این حالت جهت بهداشتی شدن آن موارد ذیل از نظر حقوقی بیان شده است: بزرگتر چیزی که ممکن است در چاه آب فرو افتد و در آن بمیرد (و آب را متغیر سازد) انسان است (و شارع مقرر فرموده که) هفتاد دلو از آب آن چاه کشیده شود، و بعد به مصرف تطهیر و شرب برسد، و کوچکتر چیزی که در چاه فرو می افتد صعوه (دم) یا خون است. (جنبانک پرنده کوچکتر از گنجشک) است، پس یک دلو از آب آن می کشند و بعد مصرف می کنند. در فاصله میان انسان و صعوه به تناسب و اندازه آن چیزی که در چاه می افتد (آب می کشند)، پس اگر موشی در آن افتاد و اندامش متلاشی نگشته یک دلو آب از آن چاه کشیده می شود، و هر گاه آجزایش از هم گسیخته باشد هفت دلو، و اگر الاغی در آن افتاد به مقدار یک کرّ (که اندازه آن در آب کرّ گذشت) از آب کشیده می شود، و هرگاه سگی در چاه افتاد به مقدار سی دلو تا چهل دلو از آن کشیده می شود، و اگر گربه ای در آن افتاد (و مرد) هفت دلو از آن کشیده می شود، و اگر در آن ماکسانی یا کبوتری افتاد (و مرد) هفت دلو آب از آن کشیده می شود (و این بهتر است، و دو دلو و سه دلو هم روایت شده) و هر گاه شتر یا گاو نری در آن افتاد (و مرد) و یا مایع مست کننده در آن ریخت، تمام آن آب کشیده می شود، و اگر چند قطره خون در چاه چکید چند دلو آب از آن کشیده شود کافیهست، و اگر مردی در آن بول کند چهل دلو از آن کشیده می شود، و اگر کودکی که غذا می خورد (شیرخواره نیست) در آن بول کند سه دلو آب از آن چاه کشیده می شود، و اگر (آن کودکی که در چاه بول کرده) شیرخواره باشد یک دلو آب از چاه کشیده می شود، و اگر کیسه سر بسته چرمی که از فضولات و مدفوع انسان - خشک یا تر - پر است، یا کیسه ای پر از سرگین در چاه افتاد اشکالی ندارد که از آن آب وضو سازند، و لازم نیست چیزی از آن آب کشیده شود، و این

آب آن کشیده می‌شود، و چنانچه عذره در آب از هم بپاشد چهل تا پنجاه دلو از آن کشیده می‌شود (همان، ج ۱: ۳۷).

۲-۵. حریم فروش آب چاه

به نقل از سعید بن یسار در این زمینه می‌گوید: «از امام ششم علیه السلام پرسیدم: مردی با جماعتی در (آب) قناتی شریک است و پاره‌ای از آن‌ها به سهم آب خود نیاز ندارد آیا می‌تواند آن را به دیگری بفروشد؟ فرمود: آری هرگاه بخواهد با پول یا گندم به کیل مبادله کند» (صدوق، ۱۴۰۹، ج ۴: ۳۲۱). این سوال از این جهت قابل اهمیت است که منابع آبی جزء سرمایه ملی و اموال عمومی محسوب می‌شود. اما تخصیص این آب به فردی از طریق احیاء و حیازت حقوقی قابل انجام است. در نتیجه این فرد که این قنات را احیاء کرده یا حفر نموده یا خریده می‌تواند به تملک شخصی خویش درآورد و با این شرایط قادر خواهد بود که آب اضافی آن را به همسایگان و نیازمندان به فروش برساند.

نتایج

این تحقیق حریم اخلاقی و حقوقی چاه آب را مورد بررسی و مطالعه قرار داده است. در مورد این حریم، یافته‌های ذیل به دست آمده است. حریم حقوقی چاه آب بین همسایگان در زمین نرم، به اندازه پانصد متر فاصله لازم است در غیر این صورت فرد دومی که چاه خود را احداث کرده ضامن خواهد بود. اما در زمین سخت به اندازه دوصد و پنجاه متر فاصله لازم است. اگر فردی چاه خود را بعداً احداث می‌کند، ضامن خسارت خواهد بود. از نظر اخلاقی کشاورزانی که کاشت گلخانه‌ای را در کابل راه‌اندازی می‌کنند، یک نوع ضرر بالقوه به منابع آبی کابل محسوب می‌شود، از این جهت این کار در این شرایط آبی محدود منع اخلاقی دارد.

منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۳۶۳). لسان العرب، قم: نشر ادب الحوزه.
۲. بابائی، علی احمد، (۱۳۸۲). برگزیده تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب، سیزدهم.
۳. جعفری، محمد تقی، (۱۳۶۴). بررسی و نقد افکار راسل، تهران: نشر امیر کبیر.
۴. شاهرودی، سید محمود، (۱۴۲۴ ق.). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام؛ ج ۳، بی جا.
۵. جوادی آملی، عبدالله، (بی تا). مبادی اخلاق در قرآن، قم: اسراء.
۶. خراسانی، رضا، (۱۳۸۳). اخلاق در اندیشه سیاسی اسلام، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۷. رابرت آل، هولمز، (۱۳۸۹). مبانی فلسفه اخلاق، مترجم، مسعود علیا، تهران: شمشاد، دوم.
۸. راغب اصفهانی، حسین، (۱۳۶۳). مفردات الفاظ قرآن، تهران: مرتضوی، ۱۳۶۳.
۹. صدوق، محمد، (۱۴۰۹). من لا یحضره الفقیه، ج ۲، مترجم، علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق.
۱۰. فرامز قراملکی، احمد، (بی تا). سازمان‌های اخلاقی در کسب و کار، تهران: سرآمد.
۱۱. فیض کاشانی، محسن، (۱۳۴۰). حقایق در اخلاق سیر و سلوک، تهران: مدرسه علمیه اسلامی.
۱۲. قرائتی محسن، (۱۳۸۳). تفسیر نور، تهران: ناشر مرکز فرهنگی درس‌های از قرآن، یازدهم.
۱۳. گل‌وردی، مهدی، و دیگران، (۱۳۸۹). «اخلاق حرفه‌ای در نظام ارزشی»، دانشگاه تهران، شماره ۵.
۱۴. لنگرودی، جعفر (۱۳۸۱). «پژوهش‌های مدیریت راهبردی» نشریه دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، شماره ۷.

۱۵. مسکویه، احمد بن محمد، (۱۳۹۰). تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، بیروت: الجمل.

۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۷). اخلاق در قرآن، قم: مدرسه امیر المؤمنین.

۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۸). دائرة المعارف فقه مقارن، قم: مدرسه امیر المومنین.

۱۸. منصورآبادی، عباس و ریاحی، جواد، (۱۳۹۱). «مفهوم شناسی مبانی در پژوهش‌های حقوقی»، مجله حقوقی پردیس دانشگاه تهران، دوره ۱۱، شماره ۲۲.

۱۹. مجلسی، محمد تقی، (۱۴۱۴ ق.). لوامع صاحبقرانی، قم: اسماعیلیان، دوم. هریسی، هاشم‌زاده، (بی‌تا). بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، بی‌جا.